



پنجشنبه، ۱۹ مرداد ۱۳۸۵
۱۰ اوت ۲۰۰۶

کارگر کمونیست

دو هفته یکبار، پنجشنبه، منتشر میشود

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران - درباره مسائل جنبش کارگری

kargar_komonist@yahoo.com

www.wpiran.org/kk-index.htm



فاتح بهرامی

تشکلهای توده‌ای کارگران: موانع و راه حل

بخش اول: ارزیابیها از موانع

و رهبران کارگری در این زمینه به نتیجه نرسیده است؟ برای حل این معضل چه فاکتورهائی مهم است، چه موانعی اساسی هستند، چکار

صفحه ۳

این واقعیت که یک معضل اساسی طبقه کارگر فقدان تشکلهای توده‌ای است کم و بیش برای کارگران و اکثر فعالین آن شناخته شده است. اما آنچه عملاً ناروشن و مبهم مانده است و دائماً بصورت سوال و یا طرح پاسخ نادرست به سوال بروز میکند مربوط به دلیل این وضعیت است. سوال اینست که چرا طبقه کارگر نمیتواند سنگر قابل اتکائی در مقابل تعرض افسار گسیخته سرمایه و دولت آن به حقوق خود ببندد؟ چرا و به چه دلایلی کارگران نتوانسته‌اند به تشکلهای توده‌ای قدرتمند دست بیابند و به چه دلایلی اقدامات و تلاشهای تاکتونی فعالین



شهلا دانشفر

آزادی منصور اسانلو یک پیروزی بزرگ

گسترده و عمیق آن به نقش طبقه کارگر در سیر تحولات جاری وزنه ای جدی و غیر قابل انکار داد. اینها و بسیاری دستاوردهای دیگر بسیار مهمند و در خلال و در نتیجه اعتراض و حرکت کارگران شرکت واحد بدست آمده اند. کارگران شرکت واحد علیرغم اینکه تا هم اکنون هنوز به هیچکدام از خواستههای خود، خواست به رسمیت شناخته شدن سندیکا و داشتن تشکل آزاد و مستقل کارگری، خواست انعقاد قراردادهای دسته جمعی توسط نمایندگان خود کارگران و خواست انحلال شوراهای اسلامی و افزایش دستمزدها و خواستههای دیگر خود نرسیده اند، اما امروز در موقعیت بسیار قویتری قرار دارند و همه چشمها به طرف این کارگران است.

سرانجام منصور اسانلو رییس هیات مدیره سندیکای شرکت واحد بعد از هفت ماه اعتراض و مبارزه و بدنبال یک کمپین اعتراضی گسترده و جهانی برای آزادی وی، روز ۱۸ مرداد از زندان آزاد شد. این یک پیروزی بزرگ برای کارگران شرکت واحد و کل کارگران در ایران است. این پیروزی را به خانواده او، به کارگران شرکت واحد و همه کارگران در ایران تبریک میگویم.

آزادی منصور اسانلو در ادامه مبارزات کارگران شرکت واحد یک شکست سیاسی برای رژیم جمهوری اسلامی است. چرا که با مبارزات کارگران شرکت واحد طبقه کارگر در ایران در مرکز ثقل صحنه سیاسی جامعه قرار گرفت. صدای کارگران ایران در جهان منعکس شد. پیوند کارگران ایران با کارگران و مردم جهان محکمتر شد و چهره ضد کارگری جمهوری اسلامی وسیعاً افشا گردید. بعلاوه با مبارزات کارگران شرکت واحد طبقه گسترده ای از رهبران کارگری به جلو آمدند و در کل این مبارزه و تاثیرات

جمهوری اسلامی با تمام قوا و با توحش مبارزات کارگران شرکت واحد را سرکوب کرد، آنها را دستگیر و به زندان انداخت. بسیاری را اخراج کرد. منصور اسانلو را هفت ماه در زندان نگاه داشت.

صفحه ۸

ملکوت با سیب زمینی آبیژ با طعم نعنای

یادداشتی از یاشار سهندی از ایران

صفحه ۷

اعتصاب ۲۰۰ کارگر در ابوظبی

داود رهایی، دبی



حسن صالحی

طبقه کارگر باید پرچمدار مبارزه برای آزادی بی و قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی باشد

محوری این احتماعات اعتراضی بود. در این میان شاهد ابتکارات جالبی نظیر انتشار نامه ای از سوی جمعی از مادران زندانیان سیاسی و

صفحه ۵

بدنبال مرگ اکبر محمدی، دانشجوی زندانی سیاسی مخالف رژیم که در سیاهچالهای جمهوری اسلامی به قتل رسید، جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی در جامعه ایران تحرك تازه ای یافته است. در اجتماعات متعددی که به این مناسبت در ایران و کشورهای دیگر جهان برپا شد خواست آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی یک شعار

در دام قانون اساسی جمهوری اسلامی

. اخیراً نشریه "نامه" میزگردی با شرکت ابراهیم مددی، حسین اکبری و مهدی معتمدی سازمان داده است که شرکت کنندگان در این میزگرد دنبال سوواخی هستند تا قانون اساسی جمهوری اسلامی را به نفع خود تفسیر کنند. همچنین

آخرین شماره اینترنتی مجله "تولید مصرف" نیز میزگردی دارد با شرکت تعدادی از همین تیپ افراد که باز هم ارجاع به قانون اساسی جمهوری اسلامی داده شده است. بیش از این در جریان اعتراضات کارگران شرکت واحد شاهد این بودیم که جریانی



ناصر اصغری

قانونگرا با مراجعه دادن کارگران به بندهائی از قوانین جمهوری اسلامی، نقش زیادی در توهم پراکنی

صفحه ۶

ناصر اصغری

یادداشتی در باره "قانون کار" جمهوری اسلامی

صفحه ۸

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری

آزادی رهبر اتحادیه خوشایند است اما سرکوب ادامه دارد

صدمات وارده در جریان حمله پلیس به جلسه اتحادیه در ماه می گذشته اعتراض کرده بودند.

ماه گذشته پس از ماهها امروز و فردا کردن وزارت کار برای آزادی اسانلو، شکایت مشتری توسط کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری و فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل علیه مقامات تهران به سازمان جهانی کار در سازمان ملل ارائه شد (متن شکایت نامه).

رایدر گفتاراش را چنین پایان داد: "ما برای اسانلو تجدید دیاری ایمن، آرام و شاد را با خانواده و دوستانش آرزو داریم و همچنین آرزوی بازگشت سلامتی ایشان را داریم که با دستهای عذاب آور رژیم بمخاطره افتاده است.

به هر حال ما به مبارزه برای به رسمیت شناختن اتحادیه ایشان و همچنین برای بازگشت به کار دهها راننده اتوبوسرانی شرکت واحد که به ناحق و غیر قانونی بخاطر فعالیتهای اتحادیه ای از ژانویه و فوریه سال گذشته اخراج شده اند ادامه خواهیم داد."

اتحادیه های مستقل کارگری بلحاظ قانونی در ایران ممنوع هستند. تلاشها برای تاسیس این اتحادیه های مستقل همواره به شدت سرکوب می شوند و تنها سازمانی که اجازه حیات دارد "خانه کارگر" بعنوان يك سازمان تحت کنترل دولت است.

دوستان و اقوامش املاک شخصی شان را بعنوان ضمانت برای آزادی او از زندان اوین به گرو گذاشتند. زندان اوین در چند دهه گذشته به یکی از وحشتناک ترین مراکز آزار و شکنجه در جهان معروف شده است.

اسانلو رهبر اتحادیه مستقل رانندگان اتوبوسرانی شرکت واحد تهران و حومه (سندیکای شرکت واحد) که وابسته به فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل است، بدنبال اعتراض اعضای این اتحادیه در ماه دسامبر سال گذشته علیه پرداختهای معوقه، شرایط بد محیط کار و عدم به رسمیت شناختن اتحادیه از طرف شرکت که از ماه می ۲۰۰۵ مجدداً شروع به کار کرده بود، بازداشت شد.

گای رایدر اضافه کرد: "همه ما قهردان اتحادیه های بیشمار وابسته به کنفدراسیون اتحادیه های آزاد کارگری، فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل و سایر وابستگان در سطح جهان و همچنین سازمان جهانی کار بخاطر تلاش های بی وقفه شان برای این آزادی هستیم."

کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری و فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل بارها تقاضای آزادی اسانلو را داشته و به خودداری مقامات زندان در برخورداری او از مداوای پزشکی در درمان

نهم آگوست سال ۲۰۰۶

بروکسل - نهم آگوست سال ۲۰۰۶ (کنفدراسیون اتحادیه های آزاد کارگری بر روی خط اینترنتی): فقط چند روز بعد از شکایت رسمی به سازمان جهانی کار از طرف اتحادیه های کارگری، منصور اسانلو؛ شاخص ترین زندانی اتحادیه های کارگری که برای مدت ۷ ماه در زندان انفرادی در بازداشت بود امروز از زندان ننگین اوین در تهران آزاد شد.

گوی رایدر مدیر کل کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد ضمن استقبال از آزادی اسانلو اظهار داشت: "این آزادی خیلی زود اتفاق نیفتاد. دولت ایران بارها این مرد را بخاطر ایستادگی و چدیتش برای حقوق بنیادین بشر مورد آزار و اذیت قرار داد. ما به آنها تاکید کرده بودیم که همه اتهامات علیه او و سایر فعالین اتحادیه های کارگری درگیر در این امر را فوراً لغو کنند." او همچنین افزود: "آزادی منصور اسانلو گواهی بر قدرت همبستگی بین المللی است. هر چند شرایط آزادی او به اندازه دستگیری او غیر قابل قبول است و ما با شدت و قوت تمام علیه آن مبارزه خواهیم کرد."

مسئولین برای آزادی اسانلو ۱۵۰ میلیون تومان (معادل ۱۶۵۰۰۰ دلار امریکایی) وثیقه قرار دادند. همکاران اسانلو در اتحادیه؛



اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

کارگر کمونیست

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران

درباره مسائل جنبش کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

Email: kargar_komonist@yahoo.com

Fax: 001 309 404 1794

هیئت تحریریه

ناصر اصغری

nasser_asgary@yahoo.com

جلیل بهروزی

jalil1917@yahoo.com

شاهلا دانشفر

shahla_daneshfar@yahoo.com

یاشار سهندی

y_sahandi@yahoo.com

حسن صالحی

hasan_salehi2001@yahoo.com

محمد مزرعه کار

sammymazraekar@yahoo.com

از مبارزات و خواستهای کارگران شرکت واحد حمایت کنیم

- کارگران شرکت واحد داشتن سندیکا را حق مسلم خود میدانند و خواهان انحلال فوری شوراهای اسلامی هستند!.

- کارگران شرکت واحد خواهان بازگشت به کار همکاران اخراجی خود به کار و پرداخت دستمزدهای پرداخت نشده خود هستند!.

- کارگران شرکت واحد خواهان انعقاد قراردادهای دسته جمعی توسط نمایندگان منتخب خود هستند!.

- کارگران شرکت واحد خواهان تعیین میزان حداقل دستمزد ها توسط نمایندگان منتخب خود کارگران و افزایش فوری حداقل دستمزدها هستند و همه جا بر حداقل ۵۰۰ هزار تومان تاکید گذاشته اند!.

مبارزات کارگران شرکت واحد برای تحقق خواستهایشان ادامه دارد!.

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست.

تشکلهای توده‌ای کارگران...

از صفحه ۱

باید کرد، چه وظایفی پیش روست و بار این قضیه بر دوش چه کسانی است؟ سولاتی از این قبیل برای اکثر کارگران مطرح است و پاسخهای گوناگون و دلایل مختلفی هم برای این وضعیت از جانب خود فعالین کارگری وجود دارد. مسلماً شناخت درست معضل خود بخشی از حل مساله است. از اینرو لازم است این موضوع را از زوایای مختلف بحث کنیم و تلاش کنیم تا راه حلی بیابیم. من سعی میکنم در دو سطح به این موضوع بپردازم: اول مرور و بررسی نکات مختلفی که بعنوان مانع و یا دلایل وضع موجود مطرح میشود، و دوم طرح معضل واقعی و نکاتی در جهت پاسخ و در واقع برای عبور از شرایط موجود. امیدوارم رفقای کارگر و فعالین دست اندر کار در سازماندهی اعتراض روزمره کارگران در این بحث شرکت کنند و نظرات خود برای کارگر کمونیست بنویسند. واقعیت اینست که بحث تشکل کارگران یکی از مباحث داغ محافل کارگری و رهبران طبقه است. باید کاری کرد که این بحثها را به نتیجه رساند و مسیری را برای پراتیک رهبران فعالین کارگری استنتاج کرد تا بر متن آن بشود به اقدامات عملی جدی دست زد و برای متشکل کردن طبقه گامهای اساسی ای برداشت. بنابراین بسیار ضروری است که نظرات رهبران و فعالین کارگری از محدوده روابط محدود بین آنان فراتر رود و مشورت و همفکری را در ابعاد وسیعتری که نیاز جنبش طبقه ما را پاسخ دهد بوجود آورد و بر متن آن بتوان به همگامی و تصمیمی جدی برای پراتیک دست یافت.

نگاهی گذرا به وضع موجود این یک واقعیت است که در دو

سال گذشته طبقه کارگر در مجموع پیشرویهایی داشته است و فاکتورهایی تغییر کرده است. اعتراض و اعتصاب يك آن تعطیل شده است. کارگران و مردم پروژه ایجاد ارباب و برخ کشیدن قرفردستی حکومت از طریق حکومت احمدی نژاد را عملاً به شکست کشانده اند. مطالبات کارگران از جنبه‌های ارتقا یافته است. همبستگی بین کارگران و همچنین حمایت مردم از مبارزات کارگری بیشتر شده است. در مواردی خانواده‌های کارگری بمیدان آمده‌اند. اول ماه مه‌های متفاوت از قبل داشته‌ایم. اشکال متفاوت و میلیتانت از مبارزه کارگران به اشکال دیگر افزوده شده است. اعتصابات طولانی داشته‌ایم که تجارب مهمی برای کارگران بجای گذاشت. سدیکای کارگران واحد و مبارزه جانانه آنها را داشتیم. پرچم اخراج شوراهای اسلامی کار از محیط‌های کار بلند شد. شخصیت‌های کارگری هرچند در سطح محدودی عروج کردند. تماس با مدیا و نهادهای کارگری بین المللی و درخواست حمایت از آنها افزایش یافت. بی آبرویی بیشتر برای اوپاشان شورای اسلامی و خانه کارگر در کنفرانس امسال آئی ال او و نمایندگی کردن کارگران ایران توسط هیئت حزب کمونیست کارگری در این کنفرانس را داشتیم. تماس و ارتباط با حزب کمونیست کارگری و تلوژیون "انترناسیونال" و برنامه "کارگران و یک دنیای بهتر" مرتباً افزایش و ارتقا پیدا کرد. حزب کمونیست کارگری نقش جدی در هدایت مبارزات جاری کارگران ایفا کرد و اتکا به حزب در میان کارگران بیشتر و بیشتر شد... و اینها گوشه‌ای از یکطرف تصویر است. از طرف دیگر، علی‌رغم این

پیشرویها و علی‌رغم وضع نابسامان رژیم، از آنجا که کارگران توانستند سنگر محکمی در مقابل تعرض رژیم به حقوق خود را ایجاد کنند، وضعیت زندگی و معیشت کارگران و خانواده‌های آنان هر روز بدتر میشود. تعرض سرمایه داران و حکومت آنان مرتباً ادامه دارد. فلاکت اقتصادی تحمیل شده به کارگران داننا تشدید میشود و به لشکر بیکاران همچنان افزوده میشود و طرحها و تلاشهای حکومت در جهت تشدید استثمار و بیحقوق‌تر کردن کارگران پایان ندارد. وقتی در کنار معضلات بی‌شمار رژیم و بحران سیاسی و اقتصادی آن و نیز حضور جنبش سرنگونی و اعتراض و مبارزه افشار مختلف جامعه این دو وجه از کل وضعیت و موقعیت جنبش طبقه کارگر را کنار هم می‌گذاریم آنگاه این سوال بطور بسیار برجسته‌ای باید توجه هر فعال و رهبری کارگری را جلب کند که چه راهی برای برون رفت طبقه کارگر از این وضعیت وجود دارد و چه عوامل اساسی موجب بقای این شرایط شده است؟ بالاخره کارگر چگونه میتواند متشکل شود و عوامل ضروری برای این مهم چه هستند؟ واضح است که معجزه‌ای رخ نخواهد داد. باز هم واضح است که نه سرمایه داران و نه حکومت و نه آئی‌ال‌او و نه هیچکس خارج از خود طبقه کارگر برای کارگران تشکل درست نمیکند. ایجاد تشکل امر خود کارگران و فقط بدست خود آنان ممکن است. جناحهای رنگارنگ سرمایه می‌خواهند کارگر متشکل نباشد، و نه تنها این بلکه اگر مجبور بشوند به عزم کارگران برای ایجاد تشکل کردن بگذارند تلاش خواهند کرد آنرا به ابزار سازش طبقاتی و علیه منفعت کارگران بدل کنند. و بالاخره این واقعیت بر طبقه کارگر ایران روشن است و تجربه هر روز به هر کارگری نشان داده است که مادام کارگران در بی تشکلی بسر می‌برند

حتی برای نقد کردن دستمزد و تامین حداقل معیشت با مشکل مواجه هستند و خانواده کارگری باید گرسنگی و بیحقوقی را تحمل کند. نه آمریکا و اپوزیسیون طرفدار آن، نه جریان‌های ارتجاعی قومی و مذهبی، نه اپوزیسیون ملی اسلامی و بطور کلی هیچکس از جریان‌های طرفدار حفظ نظام سرمایه داری نه تنها پاسخ‌رهنای جامعه و طبقه کارگر را از این جهنم زمینی ندارند بلکه همه این جریان‌ها در حفظ وضع موجود علیه طبقه کارگر ذینفع و سهمین‌اند. رهنای جامعه و طبقه کارگر از این جهنم کار کمونیسم کارگری و طبقه کارگر و حزب آنست. طبقه کارگر مادام که بطور قدرتمند بمیدان نیاید و در صف مقدم برای تغییر قرار نگیرد، تا وقتی حکومت اسلامی وجود دارد این زندگی سراپا مشقت و اسیر دست سرمایه و حکومت آن نیز ادامه خواهد داشت و هر روز بدتر خواهد شد. کارگران باید متشکل بشوند، راه دیگری وجود ندارد.

چرا کارگران متشکل نیستند؟

بدون شك عوامل مختلفی در بی تشکلی امروز کارگران دخیل هستند و اگرچه برخی از آنها بدلیل تغییر شرایط و اوضاع جامعه از موانع اساسی در مقابل متشکل شدن کارگران بحساب نمی‌آیند اما هنوز نزد برخی فعالین و رهبران کارگری همان جایگاه را دارند. گذشته از این، رفع این موانع و تلاش برای فاتح آمدن بر آنها خود يك جنبه اساسی برای دستیابی به تشکل است و از اینرو نمیتوان این موانع را همچنان مثل وزنه‌ای سنگین به پای کارگران در نظر گرفت که قابل درمان نیست. اجازه بدهید که در ادامه به بررسی پاره‌ای از آنچه که بعنوان موانع متشکل شدن کارگران مورد اشاره قرار می‌گیرد بپردازیم.

۱- اختناق و سرکوب

یکی از مهمترین فاکتورهایی که هنوز بشماه دلیل اصلی عدم وجود تشکلهای توده‌ای کارگران مطرح میشود فاکتور اختناق و سرکوب لجام گسیخته حکومت اسلامی است. قطعاً سرکوب و اختناق تاریخاً بدرجه‌ای نقش داشته است اما امروز و حتی از هفت هشت سال گذشته نمیتوان آنرا بعنوان يك فاکتور اساسی بحساب آورد. تلاش برای برقراری اختناق در جامعه و سرکوب هر نوع اعتراض و مطالبه آزادیخواهانه يك جز لاینفک رژیم اسلامی بوده است. اما تمام مساله بر سر اینست که نقش سرکوب و ارباب توسط رژیم و نهادهای گوناگون سرکوبگر آن در دوره‌های مختلف حیات این حکومت نقش یکسانی در مختنق کردن جامعه نداشته است. توازن قوا عامل اساسی این تفاوت است. توازن قوا در جامعه و رودروئی مردم و حکومت در دو دهه اول حاکمیت جمهوری اسلامی کاملاً با بعد از آن تفاوت دارد. سرکوب کارگران و مردم زحمتکش چه عملاً و چه بعنوان يك جزء سیاست حکومت هیچ زمانی متوقف نشده است. بویژه در دهه اول حاکمیت این رژیم و از زمان سرکوب خونین ۳۰ خرداد ۶۰ تا کشتارهای سال ۶۷ تاثیر سرکوب در گستراندن بساط اختناق و تشبیت پایه‌های حکومت اسلامی و قلع و قمع کمونیستها و فعالین کارگری و سازمانهای مخالف رژیم نقش اساسی داشته است. امروز چنین نیست. سرکوب گسترده و توحش رژیم اسلامی در دهه ۶۰ مشخصات دوره‌ای است که حکومت اسلامی جای پایش را سفت کرد و جامعه را به عقب راند. ۳۰ خرداد ۶۰ در واقع آغاز تشبیت حکومت اسلامی و به شکست کشاندن انقلاب ۵۷ است. نسلی از کمونیستها و رهبران و فعالین

زنده باد جنبش مجمع عمومی!

تشکلهای توده‌ای کارگران...

از صفحه ۳

کارگری و آزادیخواهان و مخالفین رژیم اسلامی در دهه ۶۰ کشته شدند و تعداد کمی جان سالم بدر بردند. و تا به بحث ما درباره تشکلهای توده‌ای کارگری برمیگردد، واضح است که جنایت و سببیت رژیم در این دوره تاثیر خود را بر جای گذاشت. اما همینجا باید تاکید کرد که يك بحث پایهای ما این بود که امکان ایجاد تشکل توده‌ای کارگران فقط محدود به دوره‌های فضای باز سیاسی و يك اختناق کمتر نیست. فعالین کارگری حتما با مباحث جریان ما درباره تشکلهای توده‌ای کارگری و مبحث شورا و جنبش مجمع عمومی آشنائی دارند. يك وجه بحث ما درباره شورا و مطلوبیت مجمع عمومی به نسبت سندیکا، علاوه بر این نکته که این دو نوع تشکل آلترناتیوهای دو جنبش متفاوت هستند، این نکته بود که در دوره غیر انقلابی و اختناق سیاه آن دوره مجمع عمومی امکان عملی بیشتری به نسبت تشکلهای توده‌ای از نوع اتحادیه دارند که بر قانونیت بورژوازی متکی هستند. و نکته جالب اینجاست که در دل این اختناق مجمع عمومی جای خود را در میان کارگران باز کرد و بدرجای پراتیک شد و از آنزمان تاکنون مجمع عمومی ابزاری است که عموماً مبارزه کارگری از کانال آن پیش رفته است و در سالهای اخیر ابعاد وسیعتری بخود گرفته است. بنابراین باید توجه داشت که بحث اختناق و سرکوب نه تنها دلیل موجهی برای عدم وجود تشکلهای توده‌ای کارگران در شرایط امروز نیست، بلکه اگر کنار رفتن اختناق و سرکوب بعنوان يك عامل اساسی برای ایجاد تشکل وارد بحث و تحلیل و در نتیجه پراتیک فعالین کارگری بشود نتیجه آن ادامه وضع موجود خواهد بود و کارگر نمیتواند تا این حکومت سر

کار است قدم از قدم بردارد.

اما اجازه بدهید که به مساله توازن قوا برگردیم که بخصوص به بحث ما در شرایط امروز جامعه ایران مربوط میشود. اشاره کردم که هفت هشت سال اخیر تفاوتهای زیادی با دو دهه قبل آن و بویژه دهه اول حاکمیت رژیم دارد. صف آرائی يك جنبش اعتراضی علیه رژیم اسلامی در چند سال اخیر توازن قوا را بین حکومت و مردم بطور جدی تغییر داده است. تلاش برای سرکوب توسط حکومت متوقف نشده است و در اشکال مختلف و هر جا توانسته است سرکوب را ادامه داده و میدهد. اما دوره حاضر دوره پیشروی مردم و عقب نشینی رژیم است، کاملاً برعکس آنچه که از ۳۰ خرداد ۶۰ شاهد بودیم. در این دوره بعینه میبینیم که ارباب نتیجه معکوس دارد. موج اعدامهای وحشیانه رژیم کسی را از اعتراض برحذر نداشتند. دامنه اعتراضات و اعتصابات کارگری نه تنها کمتر نشده بلکه گسترش یافته و کیفیت بالاتری هم گرفته است. در همین دوره شاهد رشد تشکلهای مختلف، همبستگی بیشتر مردم، شعارهای رادیکالتر و مستقیماً علیه رژیم و مقامات آن، حضور کارگران و مردم در مدیای خارج از ایران، اشکال جدید اعتراض و سازمانیابی و دهها شکل دیگر از بروز روحیه تعرضی تر مردم علیه حکومت اسلامی هستیم. و این در شرایطی است که رژیم همچنان اعدام میکند، جنایاتی از قبیل شلیک به کارگران خاتون آباد را مرتکب میشود. و باز باید توجه کرد که در این دوره برخلاف دهه های قبل، سرکوبگری و ارتکاب جنایت توسط رژیم با اشکال مختلف توجیه و عقب نشینی و حتی انکار همراه میشود. کارگران را بخاطر شرکت در

اول مه زندانی میکند اما پرونده آن روی دستش میماند و در نهایت مجبور میشود تحت فشار داخلی و بین‌المللی آنها را آزاد کند. زندانی کردن فعالین کارگری و دانشجویان و کسانی که به اشکالی در جامعه شناخته شده‌اند خود به معضلی برای رژیم بدل میشود. دیگر آن دوره دهه ۶۰ که سر فعالین کمونیست و رهبران کارگری چپ را زیر آب میگرد و کسی نمیتوانست کاری بکند گذشته است. حتما همه کمپین حزب برای آزادی محمود صالحی را بیاد دارند که چه بلایی به سر حکومت آورد، یا دستگیری فعالین اول مه سقز و منصور اسانلو و دیگر کارگران شرکت واحد و دهها مورد دیگر. در همین شرایط امروز این حکومت اکبر محمدی را در زندان میکشد اما آنرا انکار میکند. فکر میکند که دارد ارباب میکند اما در عین حال مجبور میشود انکار کند. بالاخره مجبور میشود که منصور اسانلو رهبر سندیکای کارگران شرکت واحد را آزاد کند. تمام مساله بر سر اینست که پشم و پیله قدرقدرتی این حکومت در مقابل مردم ریخته است و نه ارباب نقش دارد و نه جنایات رژیم مردم را به خانه برمیگرداند. بنابراین فاکتور سرکوب و اختناق دیگر در دوره امروز مانعی اساسی بر سر راه ایجاد تشکلهای کارگری ایجاد نمیکند. آن دوره که شبانه کارگر کمونیست را میگرفتند و فردا سربه نیست میکردند گذشته است، امروز وقتی فعال کارگری را احضار میکنند جمعی از همکارانش وی را همراهی میکنند و دسته جمعی در محل حاضر میشوند. اتفاقاً وضعیت و تناسب قوای امروز بطور جدی فاکتور مثبتی برای عرض اندام قدرتمند طبقه کارگر و از جمله ایجاد تشکلهای توده‌ای کارگران است. از این شرایط باید بدرست استفاده کرد. سندیکای شرکت واحد يك نمونه گویاست. کارگران شرکت

۲- فقر و عدم امنیت شغلی

توده کارگر

موضوع دیگری که بدفعات بعنوان مانعی برای متشکل شدن کارگران مطرح میشود مساله فلاکت اقتصادی و زندگی زیر خط فقر و محافظه کاری تحمیلی ناشی از آن به کارگران، و همچنین مساله عدم امنیت شغلی و استخدام قراردادی و ترس از بیکار شدن و امثال آن است که کارگران را در مقابل سرمایه داران و کارفرمایان دست به عصا میکند.

این يك واقعیت است که فقر و فلاکت اقتصادی و عدم امنیت شغلی و ترس از بیکاری آنهم در شرایطی که صف بیکاران هر روز طولانی‌تر از قبل میشود برخی از کارگران را دچار محافظه کاری و نگرانی کند. کارگر را آنچنان مجبور به دوندگی برای تامین زندگی بخور و نمیر کرده اند، که در واقع به

"زندگی" نخور و بمیر بدل شده است، که نتواند به هیچ جنبه دیگری از زندگی انسانی فکر کند. این يك واقعیت و وضعیت دردناک برای کارگر است که خود را مجبور ببیند به زورگویی کارفرما بخشا تمیکن بکند تا نان شب فرزنداناش آجر نشود. روشن است که در چنین شرایطی نمیتوان و نباید به کارگر ایرادی گرفت که چرا به فکر کار و شغل و تامین معاش خود و خانواده اش است. باید به روی این نظام و این حکومت تف انداخت که اینچنین انسانها را مستاصل میکنند و بیرحمانه برای تامین سود بیشتر سرمایه‌داران کارگران و خانواده آنها را آنچنان در تنگنا قرار میدهد تا آنها را وادار به قبول تحقیر و بیحقوقی و بردگی مزدی بکشاند. اما مساله بر سر اینست که این يك معضل اجتماعی است و راه حل فردی ندارد و هیچ کارگری نمیتواند با تمکین به منطق سرمایه داران گلیمش را از آب بیرون بکشد. باید توجه کرد که: اولاً کارگر شاغل حتی در نهایت محافظه کاری برای حفظ وضع موجود تضمینی ندارد که فردا به خیل بیکاران نیبوند، تجربه خود کارگران هر روز این را نشان میدهد. ثانياً، اکثر بیکاران فعلی دیروز دارای کار بوده‌اند و جزو کارگران شاغل بوده‌اند که به این روز افتاده‌اند. ثالثاً، بخش عظیمی از کارگران قراردادی که امروز بیحقوقی و مطلق کار و زندگی تماماً مشقت را مجبورند تحمل کند زمانی نه چندان دور قراردادی نبوده‌اند. تعرض حکومت اسلامی به حقوق طبقه کارگر در طول ۲۷ سال گذشته هر روز به اشکال مختلف حقوق کارگران را زیر لگد گرفته است و آگاهانه و عاملانه تلاش کرده‌اند تا صفوف کارگران را شقه شقه کنند و قدرت اتحاد آنها را زیر ضرب بگیرند. نتایج طرح استخدام قراردادی و سفید امضا که بخش اعظم کارگران

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید!

طبقه کارگر باید پرچمدار... از صفحه ۱

عزیزان جان باخته در شهر سنج بودیم که ادعای نامه ای بسیار قوی و محکم علیه رژیم کشتار و جنایت جمهوری اسلامی است. آنچه که در این میان جای خالی اش احساس می شود نقش و حضور کارگران و مراکز مهم کارگری در بلند کردن پرچم نجات جان زندانیان سیاسی در شرایطی است که یک جنبش اجتماعی قوی دارد حول این خواست شکل می گیرد. بدون شك بسیاری از کارگران معترض به طوری انفرادی در اجتماعاتی که اینجا و آنجا در حمایت از زندانیان سیاسی برپا می شود شرکت می کنند. علاوه بر این جای هیچ تردیدی نیست که خواست آزادی زندانیان سیاسی خواست همه مردم داغدار و رنج دیده ایران و منجمله کارگران است. اما صحبت نه بر سر شرکت فردی کارگران در اجتماعات مربوط به حمایت از زندانیان سیاسی است و نه حتی بر سر تمایلات قلبی آنها. سخن از دخالت و حضور موثر طبقه کارگر در عرصه نبردی است که می تواند کارگران را بعنوان رهبر جنبش انقلابی مردم به جلو صحنه براند.

تصور اینکه همین امروز چندین مرکز کارگری مهم نظیر ذوب آهن، فولاد، صنعت نفت و ماشین سازی اراک و ایران خودرو با صدور قطعنامه و بیانیه هایی از سوی مجامع عمومی کارگران این کارخانجات فرمان آزادی زندانیان سیاسی را صادر کنند بهیچوجه غیر واقعی نیست. انتظار اینکه نامه مادران داغ دیده سنجی در مورد زندانیان سیاسی، سخنان نسرین محمدی در باره قتل برادرش اکبر محمدی در زندان و همچنین گفتگوی سمیه باطبی در باره وضعیت همسرش احمد باطبی، در هر اجتماع کارگری به یک موضوع بحث برانگیز برای دخالت موثر

کارگران برای پایان دادن به رنج آنها تبدیل شود بهیچوجه انتظار بی موردی نیست. این کارها شدنی هستند اگر کارگران بخواهند. این کارها شدنی هستند به شرط اینکه کارگران بخواهند در چنین قامتی ظاهر شوند. حتی هیچ درجه پراکندگی کارگران نیز توجیه کننده عدم دخالت در این عرصه نیست چرا که با تلاش فعالین کارگری همین امروز کاملا میسر است که اجتماع کارگران و مجامع عمومی را بر پا نمود و در این زمینه بطور دسته جمعی فکری کرد و تصمیمی گرفت و وارد عمل شد.

واقعیت این است که طبقه کارگر پیش از این نشان داده است که چگونه می تواند با تحرك خود خون تازه ای در جنبش انقلابی مردم بدمد و به رشد و اعتلای آن عمق ببخشد. اعتصاب کارگران صنعت نفت در جریان قیام و انقلاب سال ۱۳۵۷ که پشت رژیم سلطنتی را بخاک مالید، نشانه گویایی از قدرت و توان تاریخی طبقه ماست. در این اعتصاب کارگران از خواسته های صنفی و رفاهی خود فراتر رفتند و خواهان لغو حکومت نظامی ازاری و پایان یافتن سرکوب و دستگیری فعالین کارگری و مبارزین شدند.

اما صرف نظر از تجربه انقلاب ۵۷ در همین یکی دو سال گذشته نیز کارگران بارها با سیاست سرکوب جمهوری اسلامی چه مستقیم و چه غیر مستقیم به مقابله برخاسته اند. یکی از عرصه های این نبرد که از قضا به آزادی زندانیان سیاسی نیز مربوط می شود مقابله به سیاست احضار، دستگیری و بازداشت فعالین کارگری بجرم دفاع از حقوق کارگران بوده است. مبارزه ای که با پشتوانه همبستگی بین المللی کارگران و استفاده موثر کارگران از رسانه جمعی برای بازتاب این مسئله

با موفقیت هایی نیز همراه بوده است. اکنون زمان آن رسیده است که طبقه کارگر با دخالت خود در جنبش اعتراض توده ای برای آزادی زندانیان سیاسی وارد میدانی شود که می تواند این طبقه را بعنوان نیروی رهانبخش جامعه در مرکز توجه قرار دهد. وجود زندانی سیاسی در هر کشوری نشانه وجود خفقان و سرکوب سیاسی در آن کشور است. و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی آن درجه ای است که می تواند به آزادی یک جامعه منتهی شود. جمهوری اسلامی رژیم کشتار، شکنجه و اعدام است. این را همه می دانیم. اما این رژیم دیگر همان رژیمی نیست که می توانست هزاران زندانیان سیاسی را با توحش و بیرحمی تمام با فرمان رهبرش اعدام کند. مبارزه انقلابی مردم و نگرانی از ابراز خشم و اعتراض آنها کار این رژیم را به جایی رسانده است که زندانیان سیاسی را با دسیسه و توطئه و سم به قتل می رساند و آنگاه اعلام می کند که او در اثر بیماری مرده است! این دیگر همان رژیمی نیست که بسیار وقیحانه در عوض جسد بیجان زندانیان سیاسی اعدام شده از خانواده های آنها بهای گلوله هایی را می خواست که فرزندان شان را از پای درآورده بود. این دیگر همان رژیمی نیست که می توانست اعتراض خانواده ای داغدار زندانیان سیاسی را خفه کند. این رژیمی است که با موجی از اعتراض خانواده هایی روبروست که در جامعه مورد حمایت قرار می گیرد و صدای دردآلودشان، صدای داد خواهی شان در رسانه های جمعی خارج از کشور انعکاس پیدا می کند. در مقابل تقلاهای چنین رژیمی که وحشت و این بار وحشت از مردم بپا خاسته سراپای وجودش را فرا گرفته باید ایستاد. جامعه در تب و تاب نبرد مهمی برای آزادی زندانیان سیاسی می سوزد و لازم است که کارگران به این کشمکش سیاسی وارد شوند و

حکم و اراده دسته جمعی کارگران را به نمایش بگذارند. طبقه کارگر در این چند سال اخیر علیرغم فشار خرد کننده اقتصادی و علیرغم اینکه صفوف این طبقه هنوز از پراکندگی رنج می برد، گسترش نیروی بیداری و آگاهی را در صفوف خود تجربه کرده است. اعتصابات طولانی مدت که خبر از وجود یک رهبری کارآمد می دهد، اعتصابات نظیر اعتصاب کارگران شرکت واحد که برای مدتی مسائل یک جامعه را تحت الشعاع خو قرار داد، وجود طیفی از رهبران کارگری که با ابراز وجود علنی در جامعه صدای حق خواهی و انسانیت را انعکاس می دهند، اعلام همبستگی بین المللی کارگری با کارگران ایران که پشتوانه بسیار خوبی برای موفقیت مبارزات کارگری است، اینها همه امکانات بسیار مناسبی برای دخالت توده ای کارگران در جدالهای سیاسی و اجتماعی در جامعه است.

ما همواره گفته ایم که کارگران ستون فقرات جنبش انقلابی مردم هستند. و ما بارها تجربه کرده ایم که چگونه مردم با اعتصاب کارگران نفت، ذوب آهن و یا شرکت واحد شور مبارزاتی دیگری می یابند که کارگران صنعتی، رهبران به میدان آمده اند! نمایش قدرت کارگران در برخی از اعتصابات کارگری نه فقط فضای اختناق را در هم شکسته و ضربان و تپش اعتراضات علنی علیه جمهوری اسلامی را تندتر کرده

است، بلکه حتی اپوزیسیون جمهوری اسلامی را نیز به مجیز گویی از کارگران واداشته است. اینک زمان آن است که کارگران صنعتی یکبار دیگر و با طرح شعار آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی حضور قدرتمند خود در جدالهای سیاسی جامعه را نشان دهند. این شروع کار ما می تواند باشد. شروع کاری که با گردآوری نیروی مردم زحمتکش به دور پرچم رهانبخش کارگران ضربه قطعی برای سرنگونی جمهوری اسلامی را بر پیکر ترك برداشته این رژیم وارد خواهد کرد.

فراخوان ما به همه فعالین کارگری و کارگران کمونیست این است که توده کارگران در بخش های صنعتی و کلیدی را به نقش حساس و تاریخی شان آگاه کنند و به اتکا به اجتماعات و مجامع عمومی کارگران کاری کنند که شعار آزادی و نجات زندانیان سیاسی در هر کارخانه و محله کارگری طنین انداز شود. بدون شك آزمان که طنین این شعار از صنعت نفت، ذوب آهن، ایران خودرو و ماشین سازی ها و پتروشیمی ها شنیده شود، مرحله تازه ای در مبارزات کارگران آغاز شده است که بر سر نوشت انقلاب و جامعه ایران تاثیر اساسی خواهد گذاشت. آزمان که کارگران با شعارهای انقلابی بسیج کننده نظیر آزادی زندانیان سیاسی بمیدان آیند مرگ جمهوری اسلامی نیز نزدیک تر خواهد شد. *

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۸ تا ۹:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12
Center Frequency: 12608 MHz
Symbol Rate: 19279
FEC: 2/3
Polarization: horizontal

زنده باد سوسیالیسم

در دام قانون اساسی ...

از صفحه ۱

در میان کارگران داشت. واقعا چند نفر صاحب نظر، آدم جدی در این کشور بعد از بیست سی سال هنوز فکر میکنند میشود از سوراخ سنبه‌های قوانین اسلامی چاره‌ای دست و پا کرد؟ بهرحال این هم بحثی است که تعدادی از نشریات به آن دامن می‌زنند و چند نفری را هم به خودش مشغول کرده اند.

بحث اینها در میزگرد مزبور بطور مشخص پیرامون اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی دور می‌زنند. ابراهیم مددی می‌گوید: "حقوق سندیکیایی کارگران جهان همانطور که خیرگان امور حقوقی آگاهی دارند، در اسناد بین‌المللی بیان شده است؛ از جمله در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، این حق به عنوان یک حق عمومی و رسمی شناخته شده است. این مطلب در قانون اساسی کشور ما هم در اصل ۲۶ به صراحت بیان شده است." مهدی معتمدی هم می‌گوید: "بحث سندیکیای کارگری در اصل ۲۶ قانون اساسی مطرح شده است؛ در اصل ۲۶ به حقوق ملت پرداخته شده است. ... و این که به ایجاد سندیکیا در اصل ۲۶ قانون اساسی اشاره شده است، ... قانون اساسی به عنوان تجلی دهنده‌ی ارزش‌ها و خواست‌های عمومی ملت ما بیان کرده است که هر فرد، هر جمعیت و هر تشکیلی می‌تواند آزاد باشد، قیدی هم در مورد ثبت تشکل بیان نکرده است." حسین اکبری هم می‌گوید: "آیا اساسا برای ایجاد تشکل‌های کارگری نیازی به قانون هست؟ و اگر هست، چرا در اصل ۲۶ قانون اساسی به صراحت به این موضوع اشاره شده است که احزاب، انجمن‌های صنفی و جمعیت‌ها آزادند مگر این که محل امنیت جمهوری اسلامی باشند و هیچ شرط دیگری قید نشده است؟"

اما بینیم که اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی با چه "صراحتی" از حقوق سندیکیایی کارگران صحبت کرده و چگونه به چنین می‌گوید: "تشکیل احزاب، جمعیتها و انجمنهای دینی، سیاسی و صنفی آزاد است مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، حاکمیت و وحدت ملی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. شرکت افراد در اینگونه گروه‌ها آزاد است و هیچکس را نمی‌توان از شرکت در گروه دینی، سیاسی و اجتماعی دلخواه منع کرد یا به شرکت در یکی از این گروه‌ها مجبور ساخت." این آن قانونی است که ظاهرا کارگر باید به آن متوسل شود و ایشان را صاحب سندیکیا میکند! می‌گوید نهادهای دینی درست کنید؛ و اگر هم از دینی حرف تزه باشد می‌گوید نباید با اساس جمهوری اسلامی مخالفتی داشته باشد. باز هم یعنی دینی باشد. حالا شاید مخاطب ما بگوید که تشکل توده‌ای کارگری که نمی‌خواهد با جمهوری اسلامی مخالفتی داشته باشد! اما درست از همین منظر جمهوری اسلامی نهادهای درست کرده که با جمهوری اسلامی نه تنها مخالفتی نداشته باشند بلکه پادوهای رژیم هستند در میان کارگران؛ و از کارگران هم می‌خواهد که از این در با جمهوری اسلامی در ارتباط باشند؛ آنها هم شوراهای اسلامی کار هستند. اگر کسی نخواهد این نهادها را به رسمیت بشناسد و دست به سازمان دادن کارگران و تشکل‌یابی آنها بزند، باید از قبل قبول کند که دارد با "حاکمیت و وحدت ملی و اساس جمهوری اسلامی" مخالفت میکند. در ثانی مگر کارگر برای چه تشکل می‌خواهد؟ تشکل می‌خواهد که از طریق آن بتواند مطالباتش را سازمان یافته مطرح کند. قرارداد

دسته جمعی بیند. بر سر پائین بودن دستمزدها اعتراض سازمان بدهد. بر سر نبود امنیت شغلی اعتراض سازمان بدهد. به نبود ایمنی محیط کار اعتراض کند. به نابرابر جنسی در محیط کار اعتراض کند. ... کارگر برای اعتراض به همه اینها و بسیاری

در همان نهادهای دست ساز رژیم به سیاهی لشکر حکومت تبدیل شود. کارگر همانقدر حق تشکل دارد که بتواند کل قانون اساسی جمهوری اسلامی را دور بزند. همان کاری که تاکنون کرده است. اگر کارگر همه اینها را خوب بداند و در مورد آنها

کسی فکر میکند که اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی اجازه به تشکل پذیری کارگران میدهد، قاعدتا باید شکایتش را پیش خامنه‌ای، رفسنجانی و احمدی نژاد ببرد. یعنی شکایت به فردی را پیش همان فرد ببرد! کسی که به قانونی



خواسته‌های دیگر تشکلش را درست میکند برای عملی شدن خواسته‌هایش باید بتواند اعتصاب کند و روی کارفرمایان که در خیلی موارد خود دولت است فشار بگذارد. اما دقیقا وقتی شما وارد اعتراض و اعتصاب شوید قانون اساسی جمهوری اسلامی را نقض کرده اید. زیرا در این قانون حق اعتصاب و اعتراض وجود ندارد. اگر شما تشکل درست کنید اما حق اعتصاب و اعتراض نداشته باشید معلوم نیست این تشکل به چه دردی می‌خورد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی بعلاوه آزادی بیان هم وجود ندارد. یعنی حتی شما در اعتراض به خواسته‌هایتان نمیتوانید سخنرانی کنید، نمیتوانید حرف بزنید! علاوه بر همه اینها این قیدهای "حاکمیت ملی" و "وحدت ملی" و "اساس جمهوری اسلامی" قابل تفسیرند و همین دولت است که آنها را تفسیر میکند و میتواند با تفسیر دلخواهی آنها کاری کند که کارگر نتواند تکان بخورد. با توجه به همه اینها آیا روشن نیست که اصل ۲۶ قانون اساسی همین است که توسط جمهوری اسلامی دارد پیاده میشود؟ بطور واقعی این اصل با قید و شرط‌هایش به معنای اینست که کارگر حقی برای تشکل ندارد و تنها راهش اینست که

روشن باشد طبعا میتواند در جاهایی که حکومت حتی قوانین خودش را هم زیر پا می‌گذارد به این قانون استناد کند. اما باید روشن باشد که این به معنای پذیرش چارچوب قانون نیست. برای فرارفتن از قانون است. برای ایجاد توازن قوایی است که بتوان کل این قانون را بدور انداخت و خواسته‌های کارگران را به قانون تبدیل کرد. این را باید به روشنی به همه کارگران گفت نه اینکه از قانون اساسی ضد کارگری رژیم به عنوان "تجلی دهنده ارزشها و خواسته‌های عمومی ملت" تجلیل شود و یا به کارگر القا شود که "قانون اساسی هیچ قید شرطی بر تشکل نگذاشته است". ارجاع کارگران به قوانین اسلامی دنبال نخود سیاه فرستادن کارگران است. در یک کلام تجربه نشان داده است که نمیشود به سازمان دادن کارگران برای حتی ابتدائی تری و پیش پا افتاده ترین مطالبه اش دست زد و با جمهوری اسلامی در نیافتاد. اما چند نکته کلی در حاشیه استناد به قوانین حائز اهمیت هستند. کسی که می‌خواهد به قانونی استناد کند نمی‌تواند گوشه‌ای از آن را به دلخواه تفسیر کند. باید کل قانون را بپذیرد و مرجع دادرسی به تفسیر هم خود قانونگذاران هستند. اگر

متوسل میشود، حتما باید به رأی دادگاه آن کشور هم کردن بگذارد. و این کارگران ایران را به مسلخ بردن است. مشکل کارگران هم همین رأی دادگاه بوده است. بعید به نظر میرسد که اینها قوانین جمهوری اسلامی را در کلیتش ندانند؛ و ندانند دارند چکار میکنند! در بند بند قوانین جمهوری اسلامی، چه قانون کارش و چه قانون اساسی اش، شرط و شروط شده است. دینی صریحا تاکید شده اند. اینکه اکنون تعدادی پیدا شده اند، و قوانین اسلامی را به ما یادآور میشوند و میخواهند آن را تفسیر خیر بکنند، فقط نشان از رشد جنبش کارگری است. جنبش اعتراضی طبقه کارگر در اولین قدمش باید قوانین اسلامی را دور ببرد تا بتواند ذره‌ای پیشروی کند. کل تجربه جنبش کارگری در دوره حکومت اسلامی نشان از در افتادن با قوانین و قانونگزاران دارد. و این راه تنها میتواند بجلو باشد. توسل به قوانین جمهوری اسلامی افتادن به مسیر پسروی است. *

پیش بسوی تشکل شوراهای!

زنده باد شورا!

ملکوت با سیب زمینی آپیژ با طعم نفع

یادداشتی از یاشار سهندی از ایران

عصر جمعه یکی از نکبت بارترین لحظات زندگی يك کارگر در این "کهن دیار" است. چرا که نه پولی است که قدم از خانه بیرون بگذاری نه جایی در این شوره زار جمهوری اسلامی هست که بروی این ساعات را بکشی. حالا اگر این لحظات را با درد دندان کشیده شده همراه شود زندگی دیگر اصلا تعریفی ندارد. دندانانی که در درمانگاه تامین اجتماعی کشیده شود نتیجه اش این است که تیکه ای از لثه ات را از دست بدهی! دکتر بی مروت اصلا يك لحظه به خودش اجازه نداد که فکر کند دندانانی که درد میکند شاید عفونی باشد، ما که درس دکتری نخوانده ایم ولی يك چیزهایی شنیده ایم که دندان عفونی را نمی کشند. چشم تان روز بد نبیند، ابتدا دستیار دکتر از اتاق بیرون آمد و پرسید: کی میخواید دندان بکشند، من و 3 فلك زده دیگر گفتیم: ما و او به هر کدام از ما يك بی حسی زد و فرستاد مان بیرون تا وقتش برسد. نوبت که به من رسید نگران از اینکه دکتر دندان دیگری را به اشتباه نکشد انگشتم را از روی دندان پوسیده برنمی داشتم، انبر را که انداخت دست دکتر را گرفتم و گفتم: دکتر جان درد دارد! دکتر گفت: نترس! و این بار آمپول بی حسی را مستقیم زد به وسط دندان پوسیده، همین قدر بگویم که از درد چنان به خودم پیچیدم که نفهمدم چگونه از روی صندلی مخصوص دندان پزشکی افتادم روی زمین، دکتر میگفت: نترس!

سرتان را درد نیاورم با وجود آن آمپول بی حسی، بدون بی حسی دندانم را کشید در يك کشمکش هولناک دکتر موفق شد دندان را بکشد و همین قدر صدایش را شنیدم که به دستیارش گفت: ببین چه

کیسی به ریشه دندان چسبیده! وقتی از اتاق آمدم بیرون اگر بیمارانی که منتظر بودند زیر دست و بالم را نمی گرفتند به روی زمین افتاده بودم. بعد از چند روز درد متوجه شدم چرا موقع کشیدن دندان، درد تمام بدنم را به رعشه انداخته بود و عرق سردی بر تنم نشسته بود و هنوز درد ساکت نمی شد. چون دکتر حرفه ای گری کرده بود يك تیکه از لثه را هم کنده بود. سالهاست بیمه تامین اجتماعی از حقوق ما میزد. اما حتی يك عکس از دندان نمیگیرد که ببیند آن زیر چه خبر است و چنین است که يك عمل ساده در این سال و زمانه به يك شکنجه تمام عیار تبدیل میشود.

در عصر جمعه ای که از آسمانش جز نکبت هیچی نمی بارد، دستی بر گونه داشتم و دستی بر کنترل تلویزیون و کانالها را جابجا میکردم که شاید گشایشی بر حالمان باشد، کانال 6 با چنان شور و شعفی از کشتار مردم لبنان و اسرائیل خبر میداد که گویی روز عروسی جمهوری اسلامی است، کانال 5، نکره الاصواتی به نام خشایار اعتمادی در وصف امام سردابه های تاریخ- مهدی- میخواند. کانال 4، مردک دیگری از امام زمان میخواست ظهور کند که وقتش است! کانال 3، کشتی گیران به پروپای هم پیچیده بودند، کانال 2 اما فیلم سینمایی داشت، فیلمی به نام "فراری" (Ferari دربارۀ بنیان گذار کمپانی تولید اتومبیل در ایتالیا، نمیدانم چقدر از فیلم گذشته بود، خیلی مختصر و مفید بگویم که جناب فراری که صدای کلنگ گورش به گوش میرسد با جوانکی روبرو شده که تمام زندگی گذشته "مهندس" را جلو چشمش آورده بود و به قول دوم خردادها حسابی جناب را به چالش کشیده بود. نتیجه

اخلاقی فیلم این بود که پول و ثروت هیچ آرامشی و سعادتتی به همراه ندارد، بخصوص برای این جناب که با مرگ فرزندش که به بیماری صعب العلاجی گرفتار شده بود تقاص ثروت اندوزی اش را داده بود. یعنی خداوند سبحان از دماغش کشیده بود بیرون.

در طی فیلم بر من بیننده معلوم شد که مهندس برای رسیدن به مقام و مکنت بسیاری را در پیستهای اتومبیل رانی به کشتن داده ثابت شده که اتومبیل "فراری" برترین است. آن مرد جوان به گفته منتقدین سینمایی نقبی زده بود به گذشته مهندس تا آخر سر از دهان مهندس بشنود "نه، همه این افتخارات به اندازه ارزنی نمی ارزند" و مرد جوان پس از شنیدن این حرف راضی و خشنود رفت. و معلوم گشت که این جوانک از آسمان آمده به نوعی روح پسر مرحوم مهندس بود. مهندس فراری که بعد از رفتن آن جوان فهمید با کی ملاقات کرده از او که در میان هاله ای از مه دور میشد، توی دلش التماس میکرد که يك لحظه برگردد و نگاه کند و آن جوانک خوش سیما برگشت و لیخندی شیرین تحویل جناب مهندس داد؛ یعنی اینکه در این دنیا عاقبت به خیر شوی و در آن دنیا نیز اجرت محفوظ است.

کارگردان آدم منصفی بود! نساهاى از کارخانه را نشان میداد که فضایی کاملاً ملکوتی داشت و کارگران هیچ دغدغه ای نداشتند، نه مشکل دندان درد نه غم نان شب جز اینکه ایشان نیز نگران سرنوشت مهندس بودند و اینکه مبادا کارخانه را ببرد زیر چتر حمایت کارخانه فورد امریکا و به قول مهندس بشوند کارمند ساده آنها. اما مهندس زرتنگ تر از این حرفها بود که گول "امپریالیسم جهانخواه" را بخورد و کارگران به محض اینکه متوجه شدند که چنین نشده اگر هم درد و رنجی داشتند که در این فیلم نشاندهند از یاد بردند و برای جناب

کف مرتبی زدند.

فیلم که به پایان رسید عصر جمعه نفس آخرش را میکشید و من نیز هنوز دستم بر گونه ام بود و آنرا مالش میدادم که شاید درد ساکت شود و بطرز عجیبی احساس خوشبختی میکردم! احساس رهایی! نه پولی، نه جایی و نه کسی که بگویند خرت به چند، آی خدا چه لذتی دارد فقر، باید مزه کنیدی تا این لذت تمام نشدنی را درک کنیدی. علم بهتر است یا ثروت، هیچ کدام، فقر زیباتر است؛ به عرفان و ملکوتی میرسی که صد تا عارف مثل مولانا و عطار جمع شوند يك هزارم آنرا درک نخواهند کرد. شاید بد نباشد که خواننده اگر حوصله اش کشید و وقتش برایش ارزش نداشت يك نگاهی به فیلم های آقایان کیارستمی، فرمان آرا، مجیدی و جلیلی... ببینداز تا "رنگ خدا" را ببیند که چه رنگی است؛ من که فهمدم، رنگ فقر است. احتیاج به فیلم هم نیست شب و روزمان به رنگ خدا است. خلاصه آن روز جمعه ما وقتی کاملاً ملکوتی شد که جای تان خالی شامان سیب زمینی آپیژ با طعم نعنا بود، آی نمیدانید چه حالی کردیم.

آن شب گذشت و مثل همیشه شنبه رسید. يك هفته دیگر مصیبت و رنج؛ بدبختی ها همه در کمین، من هنوز در فکر جناب مهندس بودم که در روزنامه شرق خواندم آقای از اهالی هندوستان به نام "لا کشمی میتال... اکنون ثروتش به حدی رسیده که تنها میتوان با افسانه های سرزمین رویایی هفتاد دو ملت و ثروت بی حد و حصر مهاراجه های هند در سالهایی دور مقایسه کرد" البته گزارشگر روزنامه شلوغش کرده بود ثروتی آنچنانی نیست، همه اش 28 میلیارد دلار ناقابل؛ گیرم که ما نمیدانیم چه جورى این را میشود شمرد اما ایشان از بیل گیتس عقب تر است هنوز مانده تا مقام اولی ثروت جهان را از آن خود

کند و نمیدانم از کی عقب افتاده که لقب دومین حامی بزرگ حزب آقای تونی بلر را يدک میکشد. بیچاره لاکشمی میتال اکنون آقای فولاد جهان است و کارخانه هایش از افریقای جنوبی گرفته تا اندونزی، رومانی، بوسنی و هرزگوین، لهستان، اوکراین، قزاقستان، آمریکا و چندین کشور دیگر در حال تولید هستند و ضمناً يك معدن ذغال سنگ هم در قزاقستان دارند، که در دسامبر 2004 به دلیل عدم رعایت نکات ایمنی و به کار نبردن تجهیزات کافی این معدن دچار يك انفجار بزرگ شد. 23 تن از کارگران در جریان این انفجار جان خودشان را از دست دادند. فدای سر فرزندان آقای میتال که مراسم عروسی شان در افسانه ها شاه و پریان هم نیامده. اتفاقی نیفتاده 23 تا نان خور از جمعیت جهان کم شده حتما طبق وعده الهی الان در بهشت هستند. خود آقای میتال هم در این دنیا تقاص ثروت اندوزیش را خواهد داد، چنانچه با همین انفجار يك کمی اعتبارش "خششه دار" شده است، آنهم به گفته گزارشگر روزنامه "در منطقه ما" و گر نه در نقاط دیگر که زمین هنوز خدشه ای به اعتبار ایشان وارد نشده است. تازه، من شک دارم که اعتبارش در منطقه ما هم خدشه دار شده باشد، آیا تا حالا کسی شنیده که مثلاً آقای میتال به خاطر قتل 23 نفر تحت تعقیب است؟ جای هیچ نگرانی نیست، حتماً آخر عمری فرشته خداوند بر ایشان نازل خواهد شد و از ایشان تا نشنود که "این ثروت عظیم به پیشیزی نمی ارزند" دست بردار خواهد بود.

راستی آن چند میلیونی که در کارخانه های فولاد آقای میتال جان میکنند از اندونزی تا امریکا، شب تعطیل شان را آیا مثل من با سیب زمینی آپیژ با طعم نعنا به ملکوت میروند یا خیر؟ *

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

یادداشتی در باره "قانون کار" جمهوری اسلامی

ناصر اصغری

بحثهای زیادی، بخصوص این اواخر حول نقض قوانینی که خود جمهوری اسلامی تحت نام "قانون کار" در یک توازن قوای معینی بعد از بگیر و بیند های اوائل دهه ۶۰ به کارگران تحمیل کرده بود، در گرفته است. با توجه نزدیکی به این بحث ها متوجه میشویم که بیشترین آه و ناله از طرف دور و نزدیک های خود این رژیم است. عدای که اکنون سکان قدرت را در دست دارند از "اصلاح" قانون کار و بعضی ها هم که زمانی سکان قدرت را در دست داشتند و یا از حامیان جناح هائی از این رژیم بودند، از "سلاخی" قانون کار حرف میزنند.

با هیاهوهای این اواخر "اپوزیسیون" اصلاح قانون کار، اینچنین القا میشود که گویا دولت تازه دارد به قانون کار و در نتیجه به سطح معیشت طبقه کارگر حمله می کند! این درست است که این دولت هم حمله دیگری را شروع کرده است، اما سراسر تاریخ جمهوری اسلامی با حمله به سطح معیشت و حق و حقوق کارگران همراه بوده است. اگر چه جمهوری اسلامی مجبور شد با

تصویب قانون کار در سال ۱۳۶۹ کارگر را به رسمیت بشناسد و گویا تعداد انگشت شماری نیم بندهائی از صدها بند از قانون کار را به مطالبات کارگران اختصاص دهد، اما از سوی دیگر از سال ۱۳۷۳ با اجازه دادن به کارفرمایان به رواج قراردادهای موقت و سفید امضا در غیاب هرگونه تشکل کارگری، هرگونه حق و حقوقی نیه بندی را هم که منظور کرده بود، از آنان سلب کرد. زیرا کارگرانی که با این شرایط کار استخدام میشوند شامل هیچ قانونی از جمله قانون کار نمی شوند. و گرچه به گفته نشریه "آتیه" در ۱۶ سال گذشته نیروی کار قراردادی از ۶ درصد به ۶۰ درصد نیروی کار شاغل کشور افزایش یافته است، اما دولت در نظر دارد که بند ۷ قانون کار خود را نیز که در آن کار دائم را به رسمیت می شناسد، حذف و یا به قول خودشان "اصلاح" کند! این وضعیت ابدا تازگی ندارد. در واقع با حذف کارگران کارگاه های زیر ۵ نفر و بعد کارگران کارگاه های قالبیافی و بعدا کارگران کارگاه های زیر ۱۰ نفر از شمول قانون کار، حمله همه جانبه خود را به

کارگران شروع کرد و این جنگ را به جامعه اعلان کرد که قصد دارد هر گونه حق و حقوقی اگر برای کارگران در نظر گرفته بود را از ایشان پس بگیرد. و هم اکنون زمزمه های خروج کارگاههای ۲۰ تا ۱۵۰ نفره و به گوش میرسد. و همین روزها بند ۲۷ در مورد اخراج را هم حذف کرده اند که دست کارفرمایان را در اخراج کارگران کاملا باز میگذارد. جالبتر اینکه با بیکار سازی های میلیونی و راندن هر چه بیشتر طبقه کارگر به زندگی فلاکتبار، همه این جرح و تعدیل ها را گویا دارند به کارگران لطف میکنند و زمینه اشتغال را فراهم میکنند! کسی نیست به اینها بگوید که اگر چنین است، پس چرا کرور کرور کارگر را دارید بیکار میکنید؟

از همه اینها که بگذریم آن جایگاه و معنائی را که قانون کار برای کارگر دارد برای جمهوری اسلامی ندارد. برای جمهوری اسلامی قانون کار معنائی جز این ندارد که چه چیزی قابل قبول است و چه چیزی در حیطه ممنوعیات قرار دارد. بر دست های پینه بسته کارگر بوسه زنند! اعتصاب

را ممنوع اعلام کردند. اقتصاد را مال خر اعلام کردند! و بالاخره جامعه را در کشتارهای دهه ۶۰ صرفا به این خاطر فرو بردند که بتوانند یک چنین مقرراتی را تحمیل کنند. برای کارگر به هیچوجه جنگ بر سر قانون کار جمهوری اسلامی نیست، بلکه جنگ بر سر این است که تا چه حد به دولت اجازه تعرض به سطح معیشتش را بدهد. این قانون کار حکم یک سری مقرراتی را دارد که بر مبنای آن هر گونه حق و حقوقی از کارگر سلب گردیده است. مقرراتی که به کارگر بعنوان یک رعیت نگاه میکنند و تعدادی آخوند و ارباب آن بالا به رعایانشان نظر لطف داشته اند! نه تنها تشکلهای کارگری نقشی در تدوین آن نداشته اند بلکه نقش وجود تشکل و تشکلهایی کارگر در این قانون جرم محسوب گردیده است! و نه حتی آن بندهائی هم که بر اثر فشار مبارزات کارگران در آن جای گرفتند، به اجرا گذاشته شدند! تنها نقشی که کارگران در این میان داشتند این بود که با مبارزاتشان پیش نویسهای پیش از این قانون کار را که کار و کارگر را به رسمیت نمی شناخت، عقب نشانند و دولت را مجبور کردند که حداقل در این قانون کار، وجود موجودی به اسم

مصاحبه و گفتگو میشود. این ها همه پیروزی هایست که باید به سکوی پرشی برای پیشروی های بعدی برای کل طبقه کارگر تبدیل شود. مبارزات کارگران شرکت واحد و همبستگی کارگری ای که حول آن شکل گرفت، نشان داد که تشکل کارگران امر خود کارگران است و تنها با مبارزات خود کارگران میتوان متشکل شد و متحد ماند. امروز کارگران در ایران در موقعیتی قرار دارند که با اتکا به این پیروزی و با اتکا به اینکه تمام توجه جامعه و تمام سازمانهای جهانی کارگری به سمت آنهاست، با قدرت به میدان آیند و تشکل های مستقل از دولت و آزاد خود را اعلام کنند. خواستهای سراسری خود را مطالبه کنند و از همه کارگران در سطح جهان بخواهند که از مبارزات آنها حمایت و پشتیبانی کنند.

از سوی دیگر آزادی منصور اسانلو

"کارگر" و پدیده ای به اسم "کار" را به رسمیت بشناسد. برای کارگر تا زمانی که جایی برای تشکل های توده ای کارگران و حق بی قید و شرط اعتصاب کردن و اعتراض کردن در نظر گرفته نشده باشد، بحثی نمیتواند بر سر قانون کار باشد. "قانون کار" صرفا اسم دکور دیگری است در دکوراسیون این نوع حکومتها که با آن عکس بگیرند.

اما با مبارزات کارگران این نکته روشن گردیده که این قانون را به رسمیت نمی شناسند. حتی اگر حقی در بندی را برای کارگران در نظر گرفته باشد! چون اگر کارگر این اشتباه را بکند تا خود را به آن بند مقید کند، مجبور است کل آن را برسمیت بشناسد. بحث کارگر بر سر این نیست که این قانون کار را حفظ کند، تغییر دهد و یا حذف کند؛ بلکه بحث بر سر این است که اگر در بندی اشاره ای به مطالبه ای از کارگران گردیده باید همان مطالبه را چسبید و بقیه قوانین مندرج در آن را پاره کرد. کارگران باید به فکر این باشند که چگونه اساس این قانون کار ارتجاعی را با قانونگروانش از قدرت ساقط کنند.*

امروز ما را در مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در موقعیت قویتری قرار داده است. این پیروزی همانطور که اشاره کردم پیش از هر وقت استیصال رژیم را به نمایش گذاشت و در مقابل کل جامعه راه نشان داد. نشان داد که برای بازکردن در زندانها، برای رها کردن زندانیان سیاسی و آزادی بدون قید و شرط همه آنها باید متحد بود. باید یک کارزار قوی و بین المللی بر پا کرد. این پیروزی بار دیگر کارگران و کل جامعه را به قدرت متحد و سراسری خود واقف کرد.

اکنون این کارزار به راه افتاده است. اکنون مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی به یک عرصه مهم مبارزه در جامعه تبدیل شده است باید با تمام قوا وارد این کارزار شد. کارگران باید نقش فعال و تعیین کننده خود را در این مبارزه ایفا کنند. زنده باد اتحاد کارگری. زنده باد همبستگی بین المللی کارگری

آزادی منصور اسانلو ...

از صفحه ۱

اما تجمعات هر روزه این کارگران و تداوم مبارزاتشان، به راه افتادن یک کمیون همبستگی بین المللی در حمایت از کارگران شرکت واحد، ناگزیر رژیم اسلامی را قدم به قدم عقب راند. امروز با آزادی منصور اسانلو میتوان گفت که علیرغم هر ادعایی که رژیم و ایادیش داشته باشند ما کارگران توانسته ایم سیاست سرکوب کارگران شرکت واحد را عقب برانیم.

واقفیت اینست که در زندان مانند منصور اسانلو، تحت فشار اعتراضات کارگران و ابعاد جهانی این مبارزات، به معضلی جدی برای رژیم تبدیل شده بود. رژیم در دوره ای دشواری قرار گرفته بود. از یکسو تداوم زندان و بازداشت او و سیل نامه های اعتراضی از سازمانهای کارگری در سطح بین

المللی و تاثیرات آن بر فضای درون زندان و مبارزه برای آزادی زندان سیاسی جمهوری اسلامی را بطور واقعی در تنگنایی جدی قرار داده بود و از سوی دیگر برای رژیم آشکار بود که آزادی منصور اسانلو یک پیروزی بزرگ برای کارگران در ایران است و بیش از پیش استیصال و ناتوانی آنرا در عقب راندن جنبش کارگری و جنبش اعتراضی مردم به نمایش میگذارد. اما تداوم این مبارزات، گسترش فشارهای بین المللی از یکسو و قتل اکبر محمدی و بلند شدن فریاد اعتراض و جنبش گسترده علیه این جنایت و به جلو صحنه آمدن مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی از سوی دیگر رژیم را وادار کرد که به این شکست تن دهد.

بدین ترتیب آزادی منصور اسانلو

تشکلهای توده‌ای کارگران... ۴

از صفحه ۴

را به آن محکوم کرده‌اند فقط و صرفاً بخاطر تشدید استثمار کارگر و به جیب زدن سودهای کلان نیست بلکه در عین حال در هم شکستن اراده کارگران و قرار دادن آنان در موقعیت استیصال و تبدیل آنها به برده خاموش نیز هست و این جزو اهداف سرمایه داران و حکومت اسلامی بوده است. بنابراین بحث بر سر این نیست که بخشی از کارگران تحت تاثیر فقر و تیرگی آینده زندگی و شغلیشان محافظه کار نمیشوند بلکه مساله بر سر تغییر این شرایط و بازگرداندن اعتماد به نفس به کارگران و بهتر شدن موقعیت زندگی خود و خانواده شان است.

اما يك نکته بسیار مهم اینست که وضعیت درماندگی و محافظه کاری بخشی از طبقه ناشی از انفراد آنها و ناشی از عدم وجود تشکلهای قدرتمند کارگری و ناشی از عدم وجود يك سنگر محکم در مقابل تعرض سرمایه است. بعبارت دیگر قضیه برعکس است، یعنی عدم وجود تشکل کارگری که بتواند از حقوق کارگران دفاع کند و قدرت اتحاد آنها را نمایندگی کند باعث میشود که کارگر بی پناهی و منفرد و بی قدرت در مقابل قوه قهار سرمایه سر خم کند. کارگر قراردادی و پیمانی، کارگری که شیره جانش را میکشند و

هنوز در هفته يك وعده غذای درست و حسابی ندارد، این کارگر میدانند که اگر اوضاع بهمین منوال باشد وضعیت بدتر میشود و هیچ امام زمانی هم بدادش نمیرسد. اما وقتی سنگری ندارد چکار کند؟ فقط قدرت اتحاد کارگران و فقط نیروی متشکل کارگران است که میتواند این وضعیت را تغییر دهد. لذا باید بفکر این بود تشکل کارگری را درست کرد و نمیشود درماندگی و محافظه کاری احتمالی برخی از کارگران را همچون دلیل و شاهی بعنوان مانع بر سر ایجاد تشکل برسمیت شناخت و خود به مانعی بر سر تلاش و پیدا کردن راه حل تبدیل شود.

۳- قانون و قانونگرایی

بود که دولت با آی لاو بر سر جایگزینی نقش انجمنهای صنفی با شوراها اسلامی به توافق رسیده بود و قرار بود شوراها اسلامی نقش مشورتی داشته باشند. و خلاصه گویا اقدام دولت راه را برای ایجاد سندیکاها باز کرده و این آنچنان آب به دهان عده ای انداخته بود که نامعای قدردانی و فدایت شوم از جانب تعدادی از سندیکالیستها بطرف جناب وزیر سرانیز شده بود. قوانین سیاه جمهوری اسلامی قطعاً مانعی بر سر راه ایجاد تشکلهای کارگری هستند اما فقط به این محدود نیست، این قوانین و کل پیکر این حکومت در اساس بر سر راه انسان و انسانیت و آسایش و رفاه و حرمت و حیات و سلامت انسانها در آن جامعه مانع‌اند. اگر موانع قانونی و فراقانونی جمهوری اسلامی وجود نداشتند که جامعه باین شکل نبود. این حکومت و قوانین آنرا باید از سر راه بشریت جارو کرد تا انسانها بتوانند نفس بکشند. نمیشود خیال خود را درباره معضل تشکل کارگری با توضیح موانع قانونی حکومت اسلامی راحت کرد، مساله بر سر کنار زدن این موانع است.

اما جدا از اینها، تاکید بر حضور این قوانین بعنوان مانع چیز زیادی را توضیح نمیدهد. اعتصاب غیر قانونی است اما هر روز جلو چشم پلیس و پاسدار و دیگر اوباشان حکومت اعتصابات صورت

میگیرند. آنچه در جوامعی مانند ایران تعیین کننده است توازن قوا است. فعالیت و مبارزه قانونی فقط به چهارچوب قانون محدود نیست، بلکه اساساً آن وجوهی از مبارزه را شامل میشود که بطور دوفاکتو در توازن قوای موجود میتوان تحمل کرد. در واقع قانون واقعی را توازن قوا تعیین میکند. قانونگرایی بورژوازی و اتکا بر قوانین دولتی بویژه در کشوری مانند ایران نتنها دردی از کسی درمان نمیکند که علیه وجوه مختلف زندگی مردم عمل خواهد کرد. واضح است که مبارزه برای تغییر قوانین و تحمیل خواست کارگران به دولت يك وجه مهم مبارزه کارگران است اما آنانکه برای حل معضلات طبقه کارگر و از جمله تشکلیابی آن چشم به قانون و تغییر آن از طریق عریضه نوشتن و رفت و آمد در دالانهای وزارت کار و نهادهای مشابه دوخته‌اند و آنرا به دیگران هم توصیه میکنند در واقع طبقه کارگر را دنبال نخود سیاه میفرستند.

...

درباره ابراز نظر بر سر موانع تشکلیابی کارگران شاید نکات دیگری هم مطرح باشد. يك نوع مالیخولیایی و ماهیتا متفاوت با نکات فوق مربوط به فعالیت احزاب چپ و کمونیست است. کسانی پیدا شده‌اند که این معضل را تاریخاً به گردن احزاب کمونیستی میاندازند و شغل شریفشان برحذر داشتن کارگران

از تحزب کمونیستی است. این محافل ضد تحزب کمونیستی البته عددی نیستند و کسی برای نظرآنان تهر خرد نمیکند، اما اگر خواهیم در يك جمله نتیجه تلاششان را بیان کنیم اینست که بجای خدمت به مبارزه و امر کارگران ناخواسته به جمهوری اسلامی خدمت میکنند. کارگرانی که در متن مبارزه شان حتی برای اولین بار با حزب کمونیست کارگری از طریق تلویزیون آن آشنا میشوند و تاثیر این حزب را در مبارزه جاری خود مشاهده میکنند با تماسهایشان با حزب و تلویزیون و طرح خواستها و انتظارآنان عملاً جواب این هیستری ضد تحزب کمونیستی را داده‌اند.

بهرحال، سه نکته فوق بنظر جزو نکات مهمی هستند که میبایست به آنها اشاره کرد که نباید برای حل مساله تشکلهای توده‌ای کارگران از سر آنها حرکت کرد. مساله را باید از درون خود جنبش کارگری، جایگاه حزب، و رهبری مبارزات جاری و معضلاتی که رهبران عملی و کارگران کمونیست و سوسیالیست با آن مواجه هستند باید بررسی کرد. این موضوع را در بخش بعدی این نوشته توضیح خواهم داد و علاوه بر آن مجموعه‌ای از مسائل و اقدامات که بنظم برای امر متشکل شدن کارگران ضروری هستند را اشاره خواهم کرد.

ادامه دارد

اعتصاب ۲۰۰ کارگر در ابوظبی

داوود رفاهی - دویی

دستمزدشان کمتر از ۲ دلار برایشان باقی مانده و خانواده های آنها در هندوستان در وضعیت اسفباری بسر میبرند. کارفرمای شرکت با بیشرمی تمام، صبح سه شنبه به پلیس اطلاع میدهد که کارگران از رفتن به سر کارشان سر باز زده اند و از پلیس میخواهد که آنها را مجبور به رفتن به سر کار بکند. وقتی با نماینده وزارت

روز سه شنبه اول اوت، تعداد ۲۰۰ کارگر مهاجر در ابوظبی در اعتراض به عدم دریافت سه ماه حقوقشان دست به اعتصاب زدند. این کارگران که در يك شرکت در منطقه صنعتی "مصفح" در ابوظبی کار میکنند از چنان وضعیتی برخوردارند که یکی از نمایندگان آنها گفته است که اغلب آنها بدلیل عدم دریافت

آینده به شرکت مراجعه کند تا از پرداخت دستمزد کارگران اطمینان حاصل کند.

باز هم فاجعه!

روز ۳۱ ژوئیه در محل ساختمانی در منطقه "النهده" دویی يك کارگر ۴۰ ساله مهاجر متولد مصر در اثر گرمای زیاد تعادل خود را از دست میدهد و از طبقه ۱۲ از داربست سقوط میکند و بلافاصله جان می بازد. عمویش که او هم در دویی کار میکند، وقتی از ماجرا مطلع میشود

اظهار میکند که او چطور میتواند این خبر را به خانواده قربانی اطلاع دهد! خرج و هزینه هسرو دوتا بچه هایش را چه کسی تأمین میکند. این حادثه ساعت نه ونیم صبح اتفاق می افتد، زمانی که هنوز دمای هوا به حداکثر شدت خود در روز رسیده است. کارگران در امارات متحده مجبور هستند در دمای که بعضاً به ۵۰ درجه سانتیگراد هم بالاتر میرسد، کار کنند.*

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



بسمه تعالی

شماره:

تاریخ:

پهلوشت:

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

تحصن امروز کارگران واحد پايان يافت تجمع و تحصن بعدي روز ۱۴ مرداد

از: سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

به: کنفدراسیون اتحادیه های آزاد کارگری جهان و فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل

با احترام

هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه بدینوسیله از اقدامات پسندیده آن سازمانهای شایسته کارگری در ارسال نامه اعتراضی در تاریخ ۱۳۸۵ / ۴ / ۲۶ مبنی بر درخواست آزادی کارگران دستگیر شده عضو سندیکا و نامه ارسالی در تاریخ ۱۳۸۵ / ۵ / ۳ به سازمان بین المللی کار مبنی بر دفاع از حقوق کارگران در مدت فعالیت سندیکا از آغاز بازگشائی تاکنون به ویژه اصرار بر در خواست آزادی منصور اسالو رئیس هیئت مدیره سندیکارامورد تحصن قرار داده و سیاستگری صمیمانه خود را از این حمایتها اعلام می دارد . حقایق بیان شده در نامه های مذکور تنها قسمتی از بی قانونی و ناحق های اعمال شده بر ماست . امید داریم مقامات ایرانی پاسخهای شایسته مبنی بر رعایت حقوق کارگران را در اسرع وقت به آن سازمانهای کارگری اعلام نموده و قول و قرارهای داده شده را انجام دهند . همبستگی و پیگیری سازمانهای معتبر کارگری ITF و ICFTU در دفاع از حقوق کارگران موجب دلگرمی و تقویت تلاشها در جهت بهبود شرایط کارگران و گسترش عدالت اجتماعی خواهد بود .

با امید به رعایت حقوق کارگران در همه جهان و گسترش صلح و رفاه برای همه مردم جهان

سندیکای کارگران شرکت واحد
اتوبوسرانی تهران و حومه
۱۳۸۵ / ۵ / ۱۱

به احضار ابراهیم مددی نایب رئیس سندیکای کارگران واحد اعتراض کنید!

میخواهد با تقویت همبستگی اعتراضی خود و با حمایت از کارگران واحد، جمهوری اسلامی را وادار به متوقف کردن این اقدامات سرکوبگرانه کند. هیچکس حق بازجویی از کارگران معترض و یا دستگیری آنها را ندارد. با اعتراض وسیع و گسترده خود این فرمان کارگران را با صدایی بلند در مقابل صف سرکوبگران فریاد بزنید.

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ مرداد ۱۳۸۵ - ۲۸ ژوئیه ۲۰۰۶

بنا به گزارش پس از ابراهیم مددی در روز شنبه ۷ مرداد به دادرسی به دادرسی ۴ ویژه کارکنان دولت در میدان پانزده خرداد، احضار او به هفته بعد موکول گردید.

همبستگی با کارگران و انزجار و نفرت عمومی علیه جمهوری اسلامی مواجهه بوده است. همبستگی و مبارزه با کارگران شرکت واحد ادامه خواهد یافت. این احضار نیز باید مورد اعتراض قرار گیرد. شگرد سرکوبگرانه جمهوری اسلامی و احضار دائم فعالین کارگری باید با ابتکار اعتراضی کارگران و تجمع دسته جمعی در مقابل دادسرا پاسخ بگیرد. باید همه شهر و مراکز کارگری را خیر کرد و به اتفاق خانواده، بستگان، آشنایان و همکاران در محل حاضر شد. تنها با اعتراض جمعی است که میتوان تعرض جمهوری اسلامی را خنثی کرد و به ضد خود تبدیل نمود.

حزب کمونیست کارگری اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی را شدیداً محکوم میکند و از همه کارگران و مردم

بنا با اطلاعیه منتشر شده از سوی سندیکای کارگران شرکت واحد، ابراهیم مددی نایب رئیس سندیکای واحد از سوی دادسرا به دادگاه احضار شده است. بنا به این خبر ابراهیم مددی پس از هماهنگی با وکلای مدافع سندیکای کارگران شرکت واحد در روز شنبه ۷ مرداد به دادرسی فوق الذکر در میدان پانزده خرداد مراجعه خواهد کرد.

مبارزه کارگران شرکت واحد با سرکوب و دستگیری و اذیت و آزار فعالین کارگری مواجه شده است اما با استواری و مقاومت کارگران روبرو شده است. این مبارزه خاموش خواهد شد. مبارزه حق طلبانه کارگران شرکت واحد همچنان مورد حمایت سازمانهای کارگری در سطح بین المللی است و در داخل کشور نیز تاکنون موجی از

خالی می کنند.

اعتراض کارگران واحد تا رسیدن کارگران به همه خواست هایشان ادامه خواهد یافت. جمهوری اسلامی همه نیرویش را برای سرکوب این مبارزه بکار انداخت اما کارگران دست از مبارزه خود بر نداشته اند و باید با حمایت گرم همه مردم مواجه شوند .

حزب کمونیست کارگری قاطعانه از مبارزه بحق کارگران واحد حمایت میکند و همه کارگران و مردم آزادیخواه و همه سازمانهای کارگری در سراسر جهان را به حمایت فعالتر و گسترده تر از این مبارزه فرامیخواند .

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگری

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ مرداد ۱۳۸۵ - ۲ اوت ۲۰۰۶

تحصن امروز کارگران اخراجی شرکت واحد ساعت ۶ بعدازظهر به پایان رسید اما کارگران تصمیم گرفتند که روز شنبه ۱۴ مرداد از ساعت ۹ صبح مجدداً در مقابل اداره کار شرق تهران دست به تحصن بزنند .

همانطور که قبلاً به آگاهی رساندیم بدنبال اعتراضات کارگران اخراجی شرکت واحد بخش عمده این کارگران به سرکارشان بازگشتند. اما ۴۴ نفر از آنها که عمدتاً اعضای هیات مدیره و اعضای فعال سندیکا هستند به کارشان بازنگشته اند. کارگران خواستار بازگشت فوری به کار هستند. همچنین توقف اذیت و آزار اعضا و فعالین سندیکا و همچنین آزادی فوری منصور اسالو از دیگر خواستهای کارگران است. در مقابل اعتراضات مکرر کارگران، مسئولین امر از رسیدگی به خواست کارگران شانه

کارگران شرکت واحد در برابر اداره کار تحصن کردند

اصح امروز ۱۱ مرداد بار دیگر کارگران اخراجی شرکت واحد در برابر اداره کار شرق تهران دست به تجمع زدند و بر خواستهای خود پافشاری کردند. به کارگران اعلام شد که مسئول مربوطه در اداره حضور ندارد. کارگران تصمیم به تحصن گرفتند و هم اکنون یعنی ساعت ۵ به وقت ایران تحصن کارگران ادامه دارد. یاد آوری کنیم که بدنبال اعتراضات کارگران اخراجی شرکت واحد، بخش عمده این کارگران به سرکارشان بازگشتند. اما ۴۴ نفر از این کارگران که عمدتاً اعضای هیات مدیره و اعضای فعال سندیکا هستند به کارشان بازنگشته اند. این کارگران به اعتراضات خود برای بازگشت به کار ادامه میدهند و بطور مرتب در برابر اداره کار شرق تهران و سایر مراکز و ارگانهای دولتی تجمع میکنند.

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ مرداد ۱۳۸۵ - ۲ اوت ۲۰۰۶

اعتصاب و مبارزه کارگران شرکت واحد صدای کارگران ایران را به جهانیان رساند و چهره ضد کارگری حکومت

دو خبر در ارتباط با آزادی اسانلو

انعکاس خبر آزادی اسانلو در کنگره فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل و حضور نیروهای انتظامی در اطراف منزل اسانلو

کنگره فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل که از روز دوم اوت در آفریقای جنوبی شروع شده است در طول کنگره بارها و به اشکال مختلف حمایت خود را از سندیکای کارگران شرکت واحد اعلام کرده و به بازداشت اسانلو اعتراض کرده بود. امروز با شنیدن خبر آزادی اسانلو، نمایندگان کنگره که آخرین روز کار خود را پشت سر میگذارند، دقایقی روال عادی جلسه خود را قطع کردند و شروع به هورا کشیدن و دست زدن کردند و خود را در این پیروزی و شادی شریک کردند. لازم به توضیح است که سندیکای کارگران واحد در ماههای گذشته به

عضویت در این فدراسیون درآمد و نمایندگان آن نیز بطور ویژه ای به این کنگره دعوت شده بودند اما جمهوری اسلامی مانع حضور کارگران واحد در این کنگره شد. در این کنگره ۱۲۰۰ نماینده از ۱۱۰ کشور و ۳۴۲ اتحادیه شرکت داشتند و مهمترین چیزی که بر طبق گزارش سایت رسمی این کنگره مورد توجه نمایندگان کنگره بود مساله همبستگی با کارگران واحد و اعتراض به بازداشت منصور اسانلو بود. يك اقدام بسیار جالب و سمبلیک این بود که در روز سوم کنگره، حاضرین در جلسه به صف ایستادند تا با امضای يك پرچم، همبستگی خود را با اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اعلام کنند. طبق گزارش دیگری که از تهران به ما رسیده است بدنبال آزادی اسانلو

ماموران وزارت اطلاعات و سرکوب جمهوری اسلامی در اطراف منزل اسانلو مستقر شده اند تا با ایجاد فضای ناامن مانع کارگران واحد و دوستان اسانلو برای ملاقات با او بشوند. حزب کمونیست کارگری اقدام سرکوبگرانه جمهوری اسلامی را شدیداً محکوم میکند و از همه کارگران و مردم بویژه در تهران میخواهد به هر شکل که میتوانند، از جمله با ارسال گل و نامه به اسانلو و صدور اطلاعیه و تجمع، در شادی این پیروزی خود را شریک کنند و اتحاد و همبستگی خود را به نمایش بگذارند.

زنده باد همبستگی جهانی کارگران
مرگ بر جمهوری اسلامی
آزادی، برابری، حکومت کارگری
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ مرداد ۱۳۸۵ - ۹ اوت ۲۰۰۶

منصور اسالو آزاد شد

کارگران جهان با همت و درایت از حقوق حقه خود و از اسالوی بی گناه با تمام توان وبضاعت اندکشان دفاع کردند. و امروز فداکاریها و مبارزاتشان به بار نشست.

کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری، آزادی منصور اسالو را به تمامی کارگران جهان، کارگران شرکت واحد آزادی خواهان خانواده اش تبریک گفته و این پیروزی را گام بزرگی در ادامه مطالبات بحق کارگران شرکت واحد که سندیکا، افزایش دستمزدها و ایجاد تشکلهای آزاد کارگری و... بوده مورد ضرب و شتم قرار گرفته و باز داشت شده بود. مبارزات کارگران اثبات کرد رسیدن به مطالبات به حق کارگری بدون از خود گذشتگی و فداکاری و تحمل سختیها امکان پذیر نیست. همچنانکه کارگران شرکت واحد، فعالین کارگری و تمامی

کارگران شرکت واحد،
فعالین کارگری،
اسالوی مبارز، رئیس هییت مدیره سندیکای کارگران شرکت اتوبوسرانی بعد از تحمل بیش از ۷ ماه زندان به همت شما آزاد شده و به آغوش خانواده خود به جمع کارگران مبارز شرکت واحد بازگشت. اسالوی که بدلیل فعالیت در سندیکای قانونی و خواست به حق کارگران که همانا احیای سندیکا، افزایش دستمزدها و ایجاد تشکلهای آزاد کارگری و... بوده مورد ضرب و شتم قرار گرفته و باز داشت شده بود. مبارزات کارگران اثبات کرد رسیدن به مطالبات به حق کارگری بدون از خود گذشتگی و فداکاری و تحمل سختیها امکان پذیر نیست. همچنانکه کارگران شرکت واحد، فعالین کارگری و تمامی

کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری
۱۸ مرداد ۸۵

کارگران واحد تحسن خود را پایان دادند اما اعلام کردند اگر تا فردا به

خواستشان پاسخ داده نشود اعتراض را از سر خواهند گرفت

ساختمان مانده اید اینکار تصرف عدوانی محسوب می شود و باید به آن رسیدگی شود. کارگران وقعی ننهادند و خواستههایشان را مطرح کردند. ساعت سه و نیم عصر رئیس حراست تهران که نیمه شب دیشب نیز با کارگران صحبت کرده بود به همراه تعداد دیگري از نیروهای انتظامی به میان کارگران آمد و با آنها مذاکره کرد. این مذاکره تا ساعت ۴ و نیم ادامه یافت. به کارگران قول داده شد

کارگران شرکت واحد تحصننی را که از دیروز صبح شروع کرده بودند تا عصر امروز ادامه دادند. ساعت دو و نیم بعد از ظهر امروز صادقی و باقری از مسئولین اداره کار با آنها به مذاکره نشستند و وعده هایی دادند. کارگران به وعده ها اعتماد نکردند و به تحصن خود ادامه دادند. مسئولین اداره کار که کارگران دست رد به سینه آنها زده بودند از در تهدید درآمدند و به کارگران گفتند که چون شب در

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ مرداد ۱۳۸۵ - ۶ اوت ۲۰۰۶



عکسی از تحصن ۱۴ مرداد کارگران اخراجی شرکت واحد در محل اداره کار شرق تهران

درگیری کارگران بیکار در دماوند با نیروهای انتظامی

امروز ۹ مرداد ساعت ۷ نیم صبح در حالی که بیش از ۱۵۰ نفر از کارگران بیکار در میدان ۱۷ شهریور برای پیدا کردن کار جمع شده بودند نیروهای انتظامی طبق معمول حضور پیدا می کنند و با توهین و فحاشی تلاش می کنند آنها را متفرق کنند. یکی از کارگران به نام عزت نوری زاد در مقابل نیروهای انتظامی می ایستد و اعلام می کند ما کار می خواهیم و شما حق ندارید به ما توهین کنید نیروهای انتظامی به عزت حمله می کنند و او را

هر سال صدها نفر از مردم به شهر دماوند مهاجرت می کنند تا در این شهر بتوانند کاری پیدا کنند. اینها در واقع همان کارگرانی هستند که بنام "کارگر فصلی" شناخته میشوند. در این شهر کارگران فصلی از کمترین امکانات برخوردار هستند. بارها نیروهای انتظامی به صف کارگران بیکار ریخته و با ضرب و شتم در میدان شهر آنها را متفرق می کنند. يك نمونه را که خود شاهد بودم اینجا بازگو میکنم:

گزارشی از عباس سمندی

زیر کتک میگیرند. سایر کارگران که شاهد این صحنه هستند به کمک این کارگر میشتابند و به نیروهای انتظامی حمله می کنند و تعدادی از نیروهای انتظامی را کتک کاری می کنند. این زدوخورد بین نیروهای انتظامی و کارگران بیش از نیم ساعت ادامه پیدا می کند و با افزایش تعداد کارگران نیروهای انتظامی پا به فرار می گذارند. تجمع کارگران هر لحظه بیشتر میشود و ساعت ۸ و نیم صبح کارگران تصمیم می گیرند در اعتراض به تهاجم مأمورین مسلح

رژیم در مقابل دادگستری دماوند تجمع کنند. همه به طرف ساختمان دادگستری حکومت میروند و خواهان این می شوند که مأمورین انتظامی که به کارگران حمله کرده اند دستگیر و محاکمه شوند. کارگران اعلام می کنند تا رئیس دادگستری و رئیس نیروی انتظامی و فرماندار نیابند حاضر به ترك محل نیستند. ساعت ۹ نیم رئیس دادگستری و رئیس نیروی انتظامی به میان کارگران می آیند و اعلام می کنند که فرماندار نتوانسته حضور پیدا کند چون در مأموریت می باشند آنها از کارگران معذرت خواهی می کنند و

اعلام می کنند ما نیر برخوردار نیروهی انتظامی و مأمورین را محکوم می کنیم و به شما تعهد می دهیم که آنها را از شهر دماوند اخراج کنیم

کارگران که بارها شاهد تعرض نیروهای انتظامی بودند اعلام کردند اگر این فقط يك وعده باشد و اجرا نشود و اگر یکبار دیگر شاهد برخورد های غیر انسانی از طرف نیروهای انتظامی باشیم گذشت نخواهیم کرد و این بار محکمتر در مقابل نیروهای انتظامی خواهیم ایستاد



مرگ بر جمهوری اسلامی
آزادی، برابری، حکومت کارگری
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ مرداد ۱۳۸۵ - ۹ اوت ۲۰۰۶

شوق در چشمانشان حلقه زده بود به افتخار این همبستگی بین المللی کارگری به زدن کف ممتد پرداختند. هر لحظه تعداد هر چه بیشتری برای ملاقات منصور اسالو به منزل وی میامدند، دیگر جایی برای جمعیت نبود از اینرو عده ای خانه را ترک میکردند تا جا برای دیگران باز شود و.....
سایت شورا 17/5/1385

منصور اسالو عزیز را به او و خانواده اش تبریک می گویم و کلیه کارگران ایران را به اتحاد برای به دست آوردن حقوق انسانیمان فرا می خوانیم.

کارگران کارخانه نساجی کردستان
کارگران کارخانه نساجی شاهر سنندج
و جمعی از فعالین اجتماعی شهر سنندج

خود مطابق معیارهای جهانی
برخوردار باشیم .
ما به اسالو درود می فرستیم و
به طبقه کارگر این پیروزی ارزشمند
را تبریک می گوئیم
انجمن صنفی کارگران برق و
فلزکار کرمانشاه
19/5/1385

سایت روزنه

www.rowzane.com

اسالو آزاد شد

کارگران واحد، همه انسانهای شریفی که در ایران و خارج از ایران برای آزادی او مبارزه کردند و جمهوری اسلامی را تحت فشار پیگیر خود قرار دادند از زندان بیرون آوردند. حزب کمونیست کارگری آزادی منصور اسالو را یک پیروزی آشکار کارگران و مردم علیه جمهوری اسلامی میدانند و به منصور اسالو و خانواده اش، به کارگران واحد و به همه مردمی که در طول این چند ماه به جبهه گسترده مبارزه برای آزادی او پیوستند و به همه سازمانهای

ساعت ۳ و نیم عصر امروز ۱۸ مردادماه منصور اسالو از زندان آزاد شد و مورد استقبال گرم خانواده و جمعی از کارگران و فعالین سندیکای واحد قرار گرفت. پس از هفت ماه زندانی بخاطر تلاش در راه متشکل کردن کارگران واحد، و بدنبال مبارزه بی وقفه کارگران واحد در هفت ماه گذشته، و همبستگی جهانی گسترده ای که در طول این مدت به جریان افتاده بود، منصور اسالو از زندان جمهوری اسلامی آزاد شد. منصور اسالو را

گزارش کوتاهی از آزادی منصور اسالو

شماری میکردند. ظرف چند ثانیه منصور اسالو در آغوش گرم کسانی جا گرفت که آنجا منتظرش بودند، منصور و همکارانش اشک شوق میریختند، آنان برای اینکه همگان وی را در آغوش بگیرند به سختی از آغوش هم بیرون میامدند. بلافاصله حلقه ی گلی بر گردن منصور اسالو انداخته شد اما اشک شوق و روبروسی های مکرر پایانی نداشت. جمعیت حاضر با وسایل نقلیه ای که از قبل در آنجا آماده بود به

درحالی که چند قدم از درب زندان اوین دور شده بود با فریادهای : بچه ها منصور آمد، منصور، منصور... مواجه شد. این فریادهای همکاران منصور و سایر کسانی بود که از ساعت ۷/۳۰ صبح امروز در مقابل دادسرا و سپس در مقابل زندان اوین برای آزادی منصور اسالو لحظه

منصور اسالو رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد تهران که از تاریخ ۱۳۸۴ با اتهامات واهی در زندان اوین محبوس شده بود، امروز مورخه ۱۷مرداد ۸۵ با سپردن وثیقه ۱۵۰ میلیون تومانی، پس از ۷ ماه و ۱۶ روز بازداشت، آزاد شد. در ساعت ۳/۳۰ عصر منصور

زنده باد سندیکای کارگران شرکت واحد

اعتصاب کارگران شرکت واحد برای آزادی منصور اسالو و به دنبال آن اتحاد و اعتراض تعداد زیادی از کارگران بخشهای مختلف کارگری در داخل ایران و نیز حمایت گسترده بین المللی سندیکاها و بخشهای گوناگون کارگری در سطح جهانی تحول مهمی در عرصه مبارزات کارگری بود. این مسئله نشان داد که پیروزی طبقه کارگر در

تنگدستی است. تشکیل شوراهای و تشکلهای مستقل کارگری حق مسلم تمام کارگران است و منصور اسالو عزیز نیز به خاطر احقاق همین حق پایه ای کارگران متحمل چند ماه زندانی و رنجهای زیادی شد. در این میان اعتراض و

خبر آزادی منصور اسالو رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد نه تنها یک پیروزی برای کارگران شرکت واحد بلکه یک دستاورد بزرگ برای طبقه کارگر در ایران و حتی در جهان است طبقه ای که امروز در حال تلاش و مبارزه برای رهایی از فقر و

آزادی منصور اسالو ثمره اتحاد کارگران جهان است

او نمونه ای بود از عزم طبقه کارگر برای رسیدن به حقوق انسانی و طبقاتی اش، اکنون به جرات می توانیم ادعا کنیم که ما کارگران ایران محق هستیم و باید از حقوق

جهانی از زندان آزاد شد زندانی شدن اسالو برگ دیگری بود از تضعیف پایه ای ترین حقوق کارگران ایران از سوی دولت و اما استقامت اسالو و مبارزات گسترده جهانی برای آزادی

سرانجام اسالو رئیس سندیکا اتوبوسرانی تهران بعد از هفت ماه مقاومت و تحمل شکنجه های روحی و جسمی طی دوره ای طولانی از مبارزات همبسته و گسترده

زنده باد اتحاد و همبستگی بین المللی کارگران !